

سروش، برنامه ریزی و حکمرانی دینی - فقهی

www.ketab.ir

ایمان کاوسی مجد

سرشناسه	: کاوسی مجد، ایمان، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سروش، برنامه ریزی و حکمرانی دینی - فقهی / ایمان کاوسی مجد.
مشخصات نشر	: قم: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۳۸۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۴۳] - ۱۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: سروش، عبدالکریم، - ۱۳۲۴ -- دیدگاه درباره مدیریت
موضوع	: Surush, Abd al-Karim -- Views on Management
موضوع	: سروش، عبدالکریم، - ۱۳۲۴ -- دیدگاه درباره مدیریت (فقه)
موضوع	: Surush, Abd al-Karim -- Views on Management (Islamic law)
موضوع	: سروش، عبدالکریم، - ۱۳۲۴ -- دیدگاه درباره اسلام و سیاست
موضوع	: سروش، عبدالکریم، - ۱۳۲۴ -- نقد و تفسیر
موضوع	: مدیریت (اسلام)
موضوع	: Management -- Religious aspects
موضوع	: مدیریت (فقه)
موضوع	: (Management Islamic law*)
موضوع	: اسلام و سیاست
موضوع	: Islam and politics
رده بندی کنگره	: BP۲۳۲/۶۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۰۷۵۰۸



انتشارات دارالفکر
تأسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا (ره)

سروش، برنامه ریزی و حکمرانی دینی - فقهی

مؤلف: ایمان کاوسی مجد
ناشر: انتشارات دارالفکر
چاپخانه: مبین - قم
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۳۸۱-۱ ISBN 978-600-270-381-1

دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، مجتمع تجاری صفائیه، طبقه سوم

تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴-۳۷۷۳۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۲ - ۶۶۴۰۸۹۲۷

فهرست مطالب

مقدمه	۷
۱- برنامه ریزی و مدیریت دینی - فقهی	۸
۲- برنامه ریزی دینی - فقهی و مدیریت اسلامی	۹
۳- رویکرد های مدیریت دینی - فقهی	۱۰
فصل اول: اصول و مبانی فکری سروش در مورد دین	۱۵
۱- تعریف دین	۱۸
۲- ارکان و بخشهای دین	۲۰
۳- غایت اصلی دین از نظر سروش	۳۲
۴- ذاتی و عرضی در دین	۳۷
۵- خدمات و حسنات دین از نظر آقای سروش	۴۰
فصل دوم: نظرات آقای سروش در مورد دانش فقه	۴۵
۱- نقص علم فقه	۴۹
۲- دنیوی بودن فقه	۵۳
۳- ظاهریین بودن فقه	۵۶
۴- سازگاری فقه با شرایط نازل	۵۷
۵- علم فقه، علمی اقلی	۵۷
۶- فقه تکلیف مدار	۶۰
۷- علم فقه و مصالح خفیه	۶۲
۸- عرضی بودن فقه	۶۳
فصل سوم: نظر آقای سروش در مورد ماهیت برنامه ریزی و حکمرانی دینی - فقهی	۷۱
۱- تعریف اول سروش از مدیریت دینی - فقهی	۷۴
۲- تعریف دوم سروش از مدیریت دینی - فقهی	۷۶

فصل چهارم: نقد نظر آقای سروش در مورد عدم امکان مدیریت دینی - فقهی.....	۷۹
۱- تبیین نظر آقای سروش در باره عدم امکان مدیریت دینی - فقهی.....	۸۱
۲- نقد دلایل آقای سروش در مورد عدم امکان مدیریت دینی - فقهی.....	۸۲
دلیل اول: برنامه ریز نبودن فقه.....	۸۳
دلیل دوم: اقلی بودن فقه.....	۸۹
دلیل سوم: اخروی محض بودن دین.....	۹۸
دلیل چهارم: مبتنی بودن فقه بر مصالح خفیه.....	۱۰۳
دلیل پنجم: کهنه و در خور دنیای کهن بودن فقه.....	۱۱۰
فصل پنجم: نقد نظر آقای سروش دینی نبودن حکمرانی دینی - فقهی.....	۱۱۳
۱- تبیین نظر آقای سروش در مورد دینی نبودن حکومت و مدیریت دینی - فقهی.....	۱۱۵
۲- نقد دلایل آقای سروش در مورد دینی نبودن حکومت و مدیریت دینی - فقهی.....	۱۱۷
دلیل اول: دنیوی بودن فقه.....	۱۱۷
دلیل دوم: معنای حکومت دینی.....	۱۲۵
فصل ششم: نقد نظر آقای سروش در مورد مخالفت حکمرانی دینی - فقهی.....	۱۳۳
۱- تکلیف محوری فقه.....	۱۳۵
۲- عدم نظارت بر رهبر و حاکم جامعه فقهی.....	۱۳۸
منابع.....	۱۴۳

مقدمه

۱- برنامه ریزی و مدیریت دینی - فقهی

مدیریت، عبارت از بکارگیری منابع انسانی و امکانی، از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی به جهت حصول اهداف سازمانی^۱ می باشد. منظور از برنامه ریزی و مدیریت، در کتاب پیش رو سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرای مؤثر قوانین توسط حکومت و دولت در ارتباط با انسان، جامعه، محیط و دولت‌ها می باشد. برنامه ریزی و مدیریت دینی - فقهی، مدیریت مضافی است که عبارت از سامان دادن مجموع حرکت جامعه اعم سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای مؤثر قوانین براساس معیارها و ضوابط دین می باشد، به بیان دیگر برای حکمرانی، برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه به علوم مراجعه می شود و از دستاوردهای علوم استفاده می شود، آنگاه اگر این دستاوردها با ارزشها، ملاکها، احکام و معیارهای فقهی و دینی سنجیده و ارایه شود، مدیریت جامعه دینی و فقهی خواهد بود نام دیگر این نوع مدیریت، حکومت فقهی یا حکومت دینی است در مقابل حکومت‌هایی که مدیریت و حاکمیت جامعه را به کلی از دین جدا دانسته و حکومت غیردینی را قبول دارند. عده ای از دین پژوهان اسلامی به طرفداری از این نوع حکومت پرداخته‌اند، آنها براین باورند که در دین سخنی از توسعه، مدیریت و رهبری نیامده است و این امور به عهده عقل و علم گذاشته شده است و می‌گویند حکومت و مدیریت جامعه نیازمند مدیریت علمی است و مدیریت دینی - فقهی که براساس فقه و فقاہت است نمی‌تواند جامعه را اداره کند. هر یک از افراد در آثار گوناگون خود با عبارات متفاوت و با تمام اختلافاتی که با هم دارند مسیر جدایی دین از سیاست را پیموده‌اند و مدیریت دینی - فقهی را امری غیر ممکن و یا عبث و بیهوده بیان کرده‌اند. آقای سروش یکی از این نظریه‌پردازان در دوره معاصر می باشد، پرسش‌های برخاسته از گفته‌ها و نوشته‌های وی نسبتاً بی‌شمار است. این پرسش‌ها از اصل و ضرورت

دین تا اصول دین اسلام تا مباحث اجتماعی از قبیل آزادی، دموکراسی و حکومت دینی و... را دربر می گیرد. در مورد مدیریت دینی - فقهی آقای سروش معتقد است فقه در باید و نباید و حلال و حرام خلاصه می شود و این با حکومت کردن، برنامه ریزی و طرحی برای اداره جامعه و مردم بسیار فرق دارد. حکمرانی، برنامه ریزی و مدیریت جامعه کاری است علمی و محتاج علوم و فنون مختلف و چنین امری به هیچ رو از فقه بر نمی آید و داشتن چنین انتظاری عبث است. ایشان می گوید مدیریت دینی - فقهی یعنی جامعه با استناد به منابع فقهی در ابعاد گوناگون اداره شود و این امکان پذیر نیست زیرا فقه فقط مجموعه ای از احکام است برای حاجت های یک زندگی ساده بنابراین نمی تواند به ما طرحی برای مدیریت جامعه بدهد و حتی نمی تواند پاسخگوی حاجت های پیچیده یک زندگی باشد. ایشان در جایی دیگر می گوید: حکومت فقهی فقط حکومتی است که حافظ ظواهر دین باشد، این نوع حکومت حتی حکومت دینی هم نیست زیرا عنصر اصلی حکومت دینی ایمان و عرفان مردم است و ظواهر دین کمترین جایگاه را در این نوع حکومت دارد، از طرف دیگر هم حکومت دینی یعنی حکومت بر افراد دین دار و دین داری مردم دخالتی در قواعد حکومت و مدیریت جامعه ندارد لذا فرقی میان حکومت دینی و غیر دینی از حیث نحوه مدیریت نمی باشد و فرق صرفاً مربوط به جامعه است که در یکی دینی و در دیگری غیر دینی می باشد. بنابراین دین هیچ تاثیری را در حاکمیت و مدیریت جامعه ندارد و نمی تواند داشته باشد. این در حالی است که فقه همچنان که خواهد آمد، به معنای احکام فردی، فقه اصغر است و فقه به معنای اعم، فراتر از این و اعم از باورها، ارزش ها، مشروعیت و مناسک در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است و مدیریت دینی - فقهی به معنی نفی مدیریت علمی نیست بلکه به معنی سنجش قواعد علوم با ارزش های دینی و احکام الهی می باشد و حکومت فقهی با حکومت دینی فرقی ندارد و همچنین حکومت دینی فقط به خاطر دین دار بودن مردمش متصف به دین نمی شود بلکه حکومت دینی همان حکومت فقهی است که تعریفش ذکر شد. وی این نظر را با عبارات مختلف در تألیفاتش مانند دین اقلی و اکثری، مدار و مدیریت، سیاست نامه و... مطرح می نماید و مدیریت دینی - فقهی را به گونه مفهوم سازی می نماید که در تقابل با مدیریت علمی قرار می گیرد و ورود دین و فقه در عرصه حکومت را امری ناممکن می داند. در کتاب پیش رو ضمن تبیین آراء وی در مورد برنامه ریزی دینی - فقهی به نقد گسترده آن و بیان عدم تقابل این نوع مدیریت مدیریت علمی پرداخته می شود.

۲- برنامه ریزی دینی- فقهی و مدیریت اسلامی

در طول انقلاب شکوهمند اسلامی و مدتی پیش از آن پژوهش مدیریت اسلامی دستور کار بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند به این موضوع قرار گرفته است و مطالعات گسترده و آثار متنوع با رویکردهای مختلف ارائه شده است که پرداختن به آن ها نوشتارهای مستقلی را می طلبد.

در این کتاب در میان مباحث گسترده مدیریت اسلامی آن چه باید به آن پرداخته شود، تعریف مدیریت اسلامی و رابطه آن با برنامه ریزی دینی- فقهی است.

در مورد تعریف مدیریت اسلامی، هریک از صاحب نظران اسلامی به فراخور برداشت های خود از اسلام و معارف اهل بیت، تعاریفی را ارائه داده اند که به عنوان نمونه تعدادی از آن ها بیان می شود. «مدیریت در اسلام (که رهبری حالتی خاص از آن است) بر اساس طرح و برنامه های سازگار با مبانی اسلام و به سوی اهداف اسلام پسند است که فوق همه آنها قرب الهی قرار دارد و در این راستا، وسیله و کیفیت برخورد با افراد نیز باید مطابق موازین اسلامی باشد». «اداره کردن و سیاست از دیدگاه اسلام، مدیریت حیات انسانها چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی برای وصول به عالیترین هدفهای مادی و معنوی است»^۱.

«مدیریت اسلامی، روش حل عادلانه مسائل اداری است؛ به عبارت دیگر به هر قاعده اساسی اداری که با فکر عدالت اجتماعی ارتباط داشته باشد میتوان مدیریت اسلامی اطلاق کرد»^۲. «مدیریت اسلامی، عبارتست از علم و هنر فرایند استفاده کارآمد و اثربخش منابع انسانی و مادی از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل در یک محیط پویا در جهت تحقق اهداف سازمان یا جامعه در چارچوب احکام اسلام و تقرب الی الله»^۳. «مدیریت اسلامی، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد»^۴.

۱- بهارستان، جلیل (۱۳۸۱)، مطالعه تطبیقی ارزشیابی در مدیریت اسلامی و مدیریت متداول. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۳۶.

۲- مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴)، اصول و مبانی مدیریت اسلامی. تهران: انتشارات راهدان.

۳- افجه، سید علی اکبر؛ نقی پورفر، ولی الله؛ جعفرپور، محمود (۱۳۹۳)، ارائه مدلی برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی، ش ۶۲.

۴- مدیریت منابع انسانی، مسعود احمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۶.

۵-، مدیریت اسلامی، محمد حسن نبوی، ۱۳۹۱، ص ۳۱.